



تجزیه و تحلیل و نقد عکس

استاد: دکتر محمد خدادادی مترجم زاده

دانشجو: ندا افندی زاده زرگر ۹۹۱۲۳۳۵۱۰۱

نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰

نقد نمایشگاه به ما نگاه کنید، مهشید نوشیروانی



در نگاهی کلی به عکس‌ها، خصیصه‌ها و مشخصات کلی عکاسی مستند از کارگران را می‌بینیم. پرتوهای محیطی و گروهی در محیط کار، با لباس‌های کار و زنان و مردانی که به طور معمول با چهره‌ی خشک و بی‌حالت به دوربین خیره شده‌اند. با خواندن جملاتی در بیانیه‌ی نمایشگاه از جمله: بدن‌های تحلیل‌رفته، رویاهای محقق نشده، جوانی-های از دست رفته و...، حس همدردیِ اندوهگین و تأمل دلسوزانه‌ای نسبت به آنها در ما برانگیخته می‌شود که در نحوه‌ی نگاه ما به عکس‌ها، بی‌شک موثر خواهد بود. اولین مفاهیمی که از عکس‌ها سر برآورده و دیده می‌شوند، ناعدالتی اجتماعی، فقر و تنگدستی، شرایط نامساعد کاری و افراد محروم جامعه‌اند. این مفاهیم در میان عکس‌ها با نشانه‌هایی همچون لباس‌های کثیف و پاره، صورت‌های پرچین که سن افراد را بیشتر از واقعیت‌شان نشان می‌دهد، چهره‌های خسته و گرفته‌ی برخی از آنها، حالت ایستادن خمیده‌ی برخی سوژه‌ها، وجود افراد مسن که در آن سن و سال نیاز به استراحت بیشتری دارند تا کار، دست‌های سیاه شده، ناخن‌های شکسته و رنگ‌گرفته، لباس و روسری‌های چروک و بدفرم زنان، نوجوانانی که در آن سن باید مشغول درس و مدرسه باشند، بیش از پیش قوت می‌گیرند و با نشانه‌های چند عکس پایانی، تصدیق شده و قطعی می‌شوند. آن دسته از عکس‌هایی که از محیط زندگی برخی کارگران تهیه شده‌اند؛ خانه‌هایی که دیوارهایش گچ نشده، زیراندازی نازک، اسباب و اثاث آشپزخانه که به علت کمبود جا در خانه در داخل اتاق روی هم جمع شده‌اند و چهره‌های بی‌لبخند و مظلومانه‌ی کودکان در این عکس‌ها. این تصاویر متعلق به سال ۱۳۵۷ هستند. با کمی تأمل در این تاریخ، برداشتی دیگر به میان می‌آید. این عکس‌ها مطمئناً از دید افرادی که به عنوان مبارز، در آن سال‌ها برای تغییرات و انقلاب تلاش می‌کردند، تنها چند عکس مستند از وضعیت کارگران نبوده است. بلکه این عکس‌ها برای آنها بهترین موضوع و سوژه برای تاختن به رژیم حاکم بودند. این عکس‌ها بیانگر شکاف طبقاتی و محرومیت قشر مستضعف بودند که بزرگ‌ترین انگیزه را برای ایجاد تغییرات، به مبارز می‌دادند. حمایت از این افراد به عنوان موضوعی پیش‌تاز این تغییرات را هدایت می‌کرد. اما اگر از آن سال جدا شده و دوباره به عکس‌ها نگاه کنیم، برای مخاطبی که این مجموعه را پس از گذشت سالهای دور از آن دوران می‌بیند، این مفاهیم چگونه‌اند؟

در تقابل عکس‌ها با وضعیت معیشت و حیات کارگران امروزی، این نشانه‌ی ایدئولوژیک رنگ می‌بازد. مخاطب امروز عکس‌ها را فقط و فقط در چارچوب کادربندی‌شان می‌نگرد. او کارگرانی را می‌بیند که برای گذران زندگی و ساختن آینده‌ای کمی بهتر، نیاز به تلاش و کار و از جان‌گذشتگی فراوانی دارند؛ برای خودشان برای خانواده‌شان و برای آینده‌ی فرزندانشان. مخاطب امروز می‌داند که در همه‌ی جوامع بشری، این اصل صادق است که قشر کارگر افراد زحمت‌کشی هستند که چرخه‌ی اقتصاد و پیشرفت جامعه به وجود آنها وابسته است. اما آنچه که حس همدردی و دلسوزی را نسبت به آنها برمی‌انگیزد، نادیده گرفتن و قصور در ارائه‌ی حقوق واقعی و عادلانه به آنها است که توسط افراد بالادست، شخصی یا حکومتی، با سوءاستفاده از احتیاج و نیاز آنان به کار، صورت می‌گیرد.

می‌توان گفت آنچه که در عکس‌های نوشیروانی علاوه بر تمام نشانه‌های رنج و درد کارگران مشهود است، صلابت و غرور مردان و زنانی است که بار سنگین زندگی را بر دوش می‌کشند. ژست و لبخند کارگرانی است که برای بهتر ثبت شدنشان آن را از دوربین و عکاس دریغ نمی‌کنند. رفاقت‌هایی است که به همان اندازه‌ی سختی کار، بین آنها پیوندی محکم ایجاد کرده است. همراهی مردان و زنانی است که فارغ از نوع جنسیت‌شان، دوش به دوش هم برای ادامه‌ی زندگی تلاش می‌کنند. پدرانی است که در تفکرات متعصب گرفتار نیستند و در کمال مهربانی دست دختران خود را گرفته و خاطره‌سازی می‌کنند، نه مخفی می‌شوند و نه آنها را مخفی می‌کنند. این‌ها نشانه‌هایی هستند که شاید بر خلاف عکس‌های مستند کارگران آن سال‌ها، در عکس‌های کارگران امروزی به ندرت دیده می‌شود.

در آخر می‌توان به این دیدگاه رسید که این مجموعه عکس، نمایشی موفق از روزگار کارگرانی است که در هر دوره‌ای از تاریخ و شرایط اجتماعی، سختی‌ها، کار مداوم و مکرر را برای داشتن زندگی بهتر و آسوده‌تر متحمل می‌شوند که در بیشتر مواقع سهم‌شان مغایر با حق عادلانه‌ای برای آنها است.